

فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء(س)  
سال بیست و پنجم، دوره جدید، شماره ۲۸، پیاپی ۱۱۸، زمستان ۱۳۹۴

## جغرافیای تاریخی ماد بعد از تشکیل پادشاهی و گسترش آن (۶۱۲-۵۵۰ ق.م)

کاظم ملازاده<sup>۱</sup>  
معصومه طاهری دهکردی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۲۵

تاریخ تصویب: ۹۴/۶/۱۸

### چکیده

پادشاهی ماد به رغم فرصت اندک تاریخی، منشأ تحولات مهم سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شد. متأسفانه درباره جنبه‌های مختلف این پادشاهی ابهامات اساسی وجود دارد؛ به گونه‌ای که تعدادی از پژوهشگران منکر وجود یک پادشاهی بزرگ مادی شده و تعدادی دیگر، دوره اصلی پادشاهی ماد را به دلیل فقدان مدارک کافی «دوره تاریک ماد» خوانده‌اند. فقدان داده‌های باستان‌شناسی و تاریخی کافی درباره پادشاهی ماد و مراکز مهم آن، زمینه چنین برداشت‌هایی را فراهم کرده است؛ با این حال، شواهد متعدد و

---

۱. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان؛ kazem.mollazadeh@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا؛ m.dehkordi2010@yahoo.com

اشارات غیرمستقیم منابع تاریخی زمینه‌ای ایجاد کرده است که با بررسی تحلیلی آن می‌توان به بازسازی جنبه‌های گوناگون وجودی ماد اقدام کرد. مقاله حاضر به بازسازی جغرافیای تاریخی ماد بعد از تشکیل پادشاهی و گسترش آن اختصاص یافته است و تلاش دارد با تکیه بر منابع مختلف تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی، بازسازی مستندتری ارائه دهد. براساس این مطالعات، قلمروی غربی و شمال غربی ماد شامل بخش شمال شرقی بین‌النهرین، جنوب شرقی آسیای صغیر و ارمنستان می‌شده و قلمروی شرقی آن تا نواحی مرزی ترکمنستان امروزی گسترش می‌یافته است. رشته کوه البرز مرز شمالی این پادشاهی را شکل می‌داد و با سیطره ماد بر ایالت پارس، مرزهای سیاسی آن تا خلیج فارس کشیده می‌شد. بازسازی صورت گرفته در کل با تصویر ارائه شده از سوی منابع یونانی از شکل‌گیری پادشاهی ماد و گسترش غربی آن مطابقت می‌کند.

## واژه‌های کلیدی: ماد، جغرافیای تاریخی، هگمتانه.

### ۱. مقدمه

مادی‌ها به‌رغم فرصت اندک تاریخی، محدودیت منابع، و مشکلات و موانعی که پیش روی شکل‌گیری دولت فراگیر و متمرکز وجود داشت، دولتی تشکیل دادند و در سطح منطقه و فرامنطقه نقش بسیار مهم و ماندگاری ایفا کردند که فرهنگ و تمدن ایرانی مدیون تلاش‌های آنهاست. باوجود این، مطالعات جدید باستان‌شناسی و تاریخی نه تنها جنبه‌های مختلف وجودی این دولت را آشکار نکرده، بلکه منشأ شکل‌گیری ابهامات اساسی در خصوص ساختار سیاسی، جغرافیای تاریخی، هنر و آثار منسوب به این دوره شده که تاکنون پاسخی درخور به آنها داده نشده است.

در بحث جغرافیای تاریخی و تاریخ سیاسی، بیشترین و بزرگ‌ترین ابهامات، مربوط به دوره پایانی حیات مستقل اقوام مادی، یعنی حدفاصل شکل‌گیری پادشاهی ماد (حدود ۶۱۲ ق.م) و سقوط آن به دست کوروش هخامنشی (۵۵۰ ق.م) است. این مقطع نسبتاً کوتاه تاریخی، دوره مهم و تاریخ‌ساز حیات سیاسی مادی‌ها را شکل می‌دهد؛ البته، اطلاعات تاریخی و باستان‌شناسی موجود از این دوره بسیار ناچیز است؛ به گونه‌ای که «دوره تاریک ماد» (Roaf, 2003: 13-22) خوانده می‌شود. نبود مدارک مشخص سبب شده است تا فرضیه‌های بسیار متفاوت و متناقضی درباره تاریخ سیاسی و به تبع آن جغرافیای تاریخی این دوره مطرح شود. از گذشته دور بسیاری از نویسندگان با تکیه بر منابع کلاسیک یونان پادشاهی بزرگ ماد را در فاصله سال‌های ۶۱۲ تا ۵۵۰ ق.م به تصویر کشیده بودند؛ اما عدم کشف مدارک و آثار مشخص از این دولت، تعدادی از پژوهشگران را به این نتیجه رسانده است که اتحادیه اقوام ماد بعد از غلبه بر دشمن مشترک خود (آشور) به ساختار پیشین خود بازگشتند و هرگز موفق به تشکیل دولتی متمرکز با قلمروی وسیع نشدند (Sancisi- Weerdenburg, 1988-1994). این موضوع در فصل دوم کتاب *باستان‌شناسی ماد* (ملازاده، ۱۳۹۳: ۲۸-۵۷) با جزئیات مورد بحث و بررسی قرار گرفته و این نتیجه حاصل شده است که برخلاف تردیدهای مطرح‌شده، مادی‌ها موفق به تشکیل دولتی قدرتمند شدند و بر قلمرویی وسیع، هرچند نه در قالب امپراتوری، دست یافتند. این نتیجه درباره جغرافیای تاریخی ماد و قلمروی این دولت بسیار حائز اهمیت و تعیین‌کننده اصلی است.

با توجه به موارد و ابهامات مطرح‌شده، پژوهش حاضر تلاش دارد با تکیه بر داده‌های تاریخی و باستان‌شناسی موجود و تحلیل منطقی، جغرافیای تاریخی به‌ویژه قلمروی پادشاهی ماد را در فاصله پیروزی آن بر آشور (۶۱۲ ق.م) و سقوط ماد به دست کوروش هخامنشی (۵۵۰ ق.م) مورد مطالعه قرار دهد.

## ۲. پیشینه پژوهش

با توجه به اطلاعات موجود در منابع کلاسیک یونان، منابع عبری و بعدها منابع میخی، مطالعه دربارهٔ ماد و جغرافیای تاریخی آن دارای قدمت زیادی است. از منابع مهمی که بیشتر براساس متون کلاسیک یونان پدید آمده است، می‌توان به اثر ارزشمند راویلسون<sup>۱</sup> اشاره کرد که در قالب پنج پادشاهی بزرگ شرق باستان به دولت ماد پرداخته است. در بحث جغرافیای تاریخی، اساس این پژوهش و دیگر پژوهش‌های مشابه و متأخرتر، اشارات منابع یونانی و به مقدار اندکی منابع عبری است. با کشف و قرائت منابع آشوری، بابلی و هخامنشی دایرهٔ اطلاعات به دست آمده در خصوص جغرافیای تاریخی ماد فزونی گرفت و کتاب *تاریخ ماد* اثر دیاکونف<sup>۲</sup> ارزشمندترین پژوهش تاریخی و زبان‌شناسی است که تا نیمهٔ قرن بیستم میلادی دربارهٔ ماد صورت گرفته است. بعد از این تاریخ، پژوهشگران زیادی به دورهٔ ماد پرداختند<sup>۳</sup> و کاوش‌های متعددی در محوطه‌های منسوب به این دوره صورت گرفت.<sup>۴</sup> نتایج این مطالعات نه تنها به روشن شدن ساختار سیاسی و گسترهٔ قلمرو و باستان‌شناسی ماد کمک زیادی نکرد، بلکه ابهامات و تردیدهای بزرگی دربارهٔ تصویر پیش ساخته از ماد مطرح ساخت. مقالات همایش پادوای ایتالیا<sup>۵</sup> معطوف به این ابهامات اساسی است. جدیدترین پژوهش منتشر شده دربارهٔ ماد، کتاب *باستان‌شناسی ماد*<sup>۶</sup> است که ضمن پرداختن به باستان‌شناسی ماد، مباحث جغرافیای تاریخی و تاریخ سیاسی این دوره را با در نظر داشتن دیدگاه‌های جدید، مورد بررسی و نتیجه‌گیری قرار داده است. در مورد جغرافیای تاریخی ماد مقاله‌های «مطالعه تاریخچه، جایابی و ساختار هگمتانه مادی»<sup>۷</sup> و

1. Rawlinson, M.A G (1871-1873). *The Seven Great Monarchies of the Ancient Eastern World*. Vol. II. University of Oxford.

۲. دیاکونف، ام (۱۳۷۱). *تاریخ ماد*. ترجمهٔ کریم کشاورز. چ ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. برای نمونه ر. ک. عبدی، کامیار (۱۳۷۲). «وارسی دورهٔ ماد (قسمت اول)». *باستان‌شناسی و تاریخ*. مرکز نشر دانشگاهی. س ۸، ش ۱۵. صص ۱۵-۲۸.

۴. برای نمونه ر. ک. ملازاده (۱۳۹۳). *باستان‌شناسی ماد*. تهران: سمت.

5. Lanfranchi, G., M. Roaf and R. Rollinger (eds.) (2003). *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. Padua.

۶. ملازاده (۱۳۹۳). *باستان‌شناسی ماد*. تهران: سمت.

۷. ملازاده، کاظم و معصومه طاهری دهکردی (۱۳۹۰). «تاریخچه، جایابی و ساختار هگمتانهٔ مادی». *مطالعات شهر*

*ایرانی-اسلامی*. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. س ۲، ش ۶. صص ۵-۱۶.

«مطالعه جغرافیای تاریخی ماد، پیش از تشکیل پادشاهی و گسترش آن»<sup>۱</sup> پژوهش‌های جدید دیگری است که در سال‌های اخیر از سوی نویسندگان پژوهش حاضر منتشر شده است. در زمینه جغرافیای تاریخی ماد همچنین می‌توان به مقاله‌های ایمان‌پور<sup>۲</sup> اشاره کرد که به ارتباط مادی‌ها و پارسی‌ها قبل از شکل‌گیری امپراتوری هخامنشی می‌پردازد.

### ۳. منابع دوره پادشاهی ماد

درباره دوره مورد نظر، به غیر از منابع کلاسیک یونان، به‌ویژه تاریخ هرودوت<sup>۳</sup>، بقیه منابع سکوت کرده و یا فقط به صورت غیرمستقیم اطلاعاتی درباره جغرافیای تاریخی ماد به دست داده‌اند. منابع آشوری که دربردارنده بیشترین اطلاعات از دوره نخست بوده‌اند، از اواسط قرن هفتم قبل از میلاد، یعنی هم‌زمان با تاریخ احتمالی تشکیل پادشاهی ماد، از میان رفته‌اند. منابع بابل نیز به دلیل مرز طولانی و مشترک بابل و ماد می‌توانست اطلاعات بسیار ارزشمندی فراهم کند؛ اما به نظر می‌رسد در منابع بابلی به صورت آگاهانه پادشاهی ماد نادیده گرفته شده است و به غیر از اشارات محدود اطلاعات دیگری ارائه نمی‌شود (ملازاده، ۱۳۹۳: ۴۲-۴۸). در منابع عبری اشاره‌هایی اندک وجود دارد و منابع اورارتویی (Diakonoff and Kashkai, 1981) و عیلامی (Henkelman, 2003: 196-201) فاقد هر نوع اطلاعی است. منابع هخامنشی نیز به غیر از اشارات اندک و غیرمستقیم اطلاعات دیگری فراهم نمی‌کنند.

---

۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). «مطالعه جغرافیای تاریخی ماد پیش از تشکیل پادشاهی و گسترش آن (۶۷۲-۸۳۵ ق.م)». تاریخ اسلام و ایران- تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری. دانشگاه الزهرا. صص ۱۴۳-۱۶۵.

2. Imanpour, Mohammad-Taghi (2002-2003). "The Medes and Persians: were the Persians ever Ruled by the Medes?". Name-ye Iran-e Bastan. Vol. 2. No. 2. pp. 61-79.

ایمان‌پور، محمدتقی و راضیه قصاب‌زاده (۱۳۹۰). «بررسی رابطه مادها و پارس‌ها پیش از ظهور امپراتوری هخامنشی». پژوهش‌های تاریخی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. س. ۳. ش ۱۲. صص ۷۳-۸۶.

۳. هرودوت (۱۳۶۲). تاریخ هرودوت. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

#### ۴. منابع بابلی

اندک اطلاعات موجود در منابع بابلی مربوط به دو واقعه مهم سقوط آشور (۶۱۴ تا ۶۱۰ ق.م) و سقوط ماد (۵۵۰ ق.م) به دست کوروش هخامنشی است (Zawadzki, 1988: 66-68). متأسفانه منابع بابلی از سقوط آشور تا زمان سقوط ماد، دربارهٔ مادی‌ها تقریباً ساکت هستند (Jursa, 2003: 169-171). عدم اشارهٔ متون بابلی به مادها و دولتی که بیش از هزار کیلومتر با بابل مرز مشترک داشته است، بسیار تعجب‌برانگیز است (Liverani, 2003: 5). به نظر می‌رسد بعد از سقوط آشور، بین دو متحد اختلافی بر سر تقسیم میراث آشور و حضور ماد در شمال بین‌النهرین پیش آمده و این زمینهٔ ناراحتی بابل را فراهم ساخته است؛ از همین رو، آگاهانه در کتیبه‌های بابلی ماد و موضوعات مربوط به آن نادیده گرفته شده است.

بر اساس نوشتهٔ سالنامهٔ نبوپلسر در سال ۶۱۵ ق.م نیروهای مادی به رهبری اُمکیشترا<sup>۱</sup> وارد سرزمین کرکوک امروزی شدند و به یک شهر آشوری حمله کردند. آن‌ها یک سال بعد (۶۱۴ ق.م)، به سوی نینوا، پایتخت آشور، لشکرکشی و شهری از ایالت نینوا و نیز شهر آشور را تصرف و ویران می‌کنند. در سال ۶۱۲ ق.م پادشاهان بابل و ماد به سوی نینوا، پایتخت آشور، لشکرکشی و آن را تصرف و غارت می‌کنند. به نوشتهٔ منبع بابلی، اُمکیشترا و لشکریان او به سرزمین خود بازگشتند؛ اما پادشاه بابل و لشکریان او به پیشروی خود در سرزمین آشور ادامه دادند. آخرین پادشاه آشوری مقرر حکمرانی خود را به شهر حران در شمال سوریه منتقل کرد. بنابراین، در سال ۶۱۰ ق.م لشکریان بابل به همراه نیروهای عظیمی از ماد به این شهر حمله کردند و به حیات طولانی مدت آشور خاتمه دادند (کیناست، ۱۳۸۳: ۲۱۰).

در کتیبهٔ مادر بُونئید، مربوط به شانزدهمین سال سلطنت نبوپلسر، به ویرانی شهر حران و معبد مهم آن به دست مادها اشاره شده است که نشان می‌دهد بعد از سقوط آشور، مادی‌ها در منطقه ماندگار شده و در حران (واقع در شمال سوریه) مزاحمت‌های زیادی برای بابلی‌ها ایجاد کرده‌اند. کتیبهٔ سپیار بُونئید به این ویرانی اشاره دارد و درنهایت، در

---

1. Umakištar

گزارش‌های سال ۵۵۳ ق.م، به فتح حران به دست پادشاه بابل اشاره شده است و با توجه به حضور قبلی مادی‌ها در این شهر، به نظر می‌رسد بابلی‌ها از فرصت درگیری ماد و پارس استفاده کرده و شهر را تصرف کرده‌اند (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۳۸۹).

در سالنامه نبونید اشاره‌ای وجود دارد که حضور مادی‌ها در مناطق مرکزی بین‌النهرین را نشان می‌دهد. در این سالنامه بیان شده است بعد از اینکه گوتی‌ها نیایشگاه خدای آنونیتو<sup>۱</sup> را در سیپار - آنونیتو (احتمالاً Sippar-Aruru اطلس هلسینکی و واقع در منطقه جنوبی بغداد) غارت کردند و پیکره او را به اریخ<sup>۲</sup> (ناحیه کرکوک) منتقل کردند، بابلی‌ها دوباره توانستند این پیکره را از اریخ به معبد اصلی خود بازگردانند (Rollinger, 2008: 57). «گوتی‌ها» یا «گوتیوم» (همچنین اومان - مند) اصطلاحی کلی بوده که در هزاره اول قبل از میلاد برای نامیدن ساکنان غرب ایران و از جمله مادی‌ها استفاده شده است. اشاره موجود نشان می‌دهد که مادی‌ها ناحیه کرکوک را مدتی در اختیار داشته‌اند و استقرار مادی صورت گرفته در تل‌قُبه (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۱۵-۳۱۷) گواه این حضور است.

اشاره بسیار مهم دیگر منابع بابلی به مادی‌ها مربوط به پادشاهی نبونید در حدود سال ۵۵۰ ق.م است. این اشاره در قالب خواب یا رؤیایی است که پادشاه بابل دیده است:

مردوک به من گفت: «نبونید، شاه بابل، آجرها را بار ارابه خود کن، معبد اِخول خول<sup>۳</sup> را از نو بساز و بگذار که خداوند سین در آنجا سکنی گزیند». من [نبونید] به مردوک گفتم: «اومان مند [مادها] بر هر معبدی که شما فرمان ساختن آن را به من داده‌اید، دست انداخته‌اند و قدرت نظامی آن‌ها عظیم است؛ اما مردوک به من گفت: «اومان مند که تو از آن‌ها سخن می‌رانی، آنان، سرزمینشان و تمامی شاهان، متحدینشان، محکوم به خروج‌اند». و البته، [...] مردوک، کوروش شاه انشان، خدمت‌گذار جوان خود را بر آن‌ها شوراند و کوروش اومان مند فراوان را پراکنده کرد و ایشتموگوشاه اومان مند را به اسارت گرفت و در غل و زنجیر به سرزمین خود برد (عبدی، ۱۳۷۳: ۲۳).

---

1. Anunitu  
2. Arrapha  
3. E-hul-hul

و نیز:

[...] (آستیایگ) حرکت داد (لشکر خود را) و علیه کوروش، شاه انشان، لشکر کشی کرد [...] اما لشکریان علیه آستیایگ شورش کردند و او را دستگیر کرده و تحویل کوروش دادند. کوروش به طرف هگمتانه، شهر شاهی، لشکر کشی کرد. نقره، طلا، دارایی و اموال [...] هگمتانه را به عنوان غنیمت با خود به انشان برد [...] (Cogan, 2008: 211).

این اولین بار است که در منابع تاریخی به نام هگمتانه اشاره شده است و نشان می‌دهد که انتخاب این شهر به پایتختی ماد قبل از ۵۵۰ ق.م صورت گرفته است. اشاره دیگر منابع بابلی مربوط به لشکر کشی سال ۵۴۷ ق.م کوروش به آسیای صغیر است. گزارش کوتاه این لشکر کشی در سالنامه نبونید آمده که در آن به عبور کوروش از رودخانه دجله در پایین اربیل اشاره شده است (Rollinger, 2008). بسیاری از پژوهشگران هدف این لشکر کشی را لیدی ذکر کرده و عبور کوروش از منطقه اربیل را بدون ورود به قلمروی بابل، دلیلی بر تسلط قبلی ماد بر این منطقه دانسته‌اند (Curtis, 2003: 166). رولینگر (Rollinger, 2008: 56)، با توجه به حرف اول نام مقصد کوروش (U)، سرزمین مورد نظر را اورارتو دانسته و نتیجه گرفته است که مادها پادشاهی اورارتو را تصرف نکرده‌اند، بلکه این سرزمین تا حمله کوروش به حیات خود ادامه داده است و تصرف لیدی نه در سال ۵۴۷ ق.م، بلکه بعدها (حتی شاید بعد از تصرف بابل) به دست کوروش صورت گرفته است. این نتیجه‌گیری با توجه به داده‌های مختلف تاریخی و باستان‌شناسی تأیید نمی‌شود. حضور استادکاران لیدیایی در پاسارگاد و تاریخ ساختمانی این مجموعه، حمله کوروش به لیدی را در همان سال‌های نخست به قدرت رسیدن کوروش تأیید می‌کند. در ضمن، با توجه به شناخت خوبی که در ادبیات بین‌النهرینی از پادشاهی اورارتو در نیمه شرقی آسیای صغیر وجود داشته و نیز مسیرهای اصلی دسترسی به آسیای صغیر و لیدی که از قلمروی پیشین این پادشاهی عبور می‌کرده است، نام بردن از اورارتو به جای لیدی دور از ذهن نیست.



در نهایت، آنچه از منابع بابلی درباره قلمروی ماد می توان استنباط کرد، این است که مادی ها حدود سال ۶۱۵ ق.م قدرتی بزرگ و تحت حاکمیت یک پادشاه بودند و مناطق غربی ایران را زیر سیطره خود در آورده و به قلمروی آشور حمله کرده و به صورت مستقل پیروزی های مهمی نیز به دست آورده بودند. همچنین به رغم اشاره نوشته بابلی به بازگشت مادی ها بعد از شکست آشور، شواهد تاریخی و داده های باستان شناسی نشان می دهد که بخشی از شمال شرق بین النهرین شامل مناطق سلیمانیه، اربیل و دهوک در اختیار مادی ها قرار گرفت و آن ها این سیطره را تا شمال سوریه و شهر حران گسترش دادند و با دست اندازی به قلمروی بابل از جمله به منطقه کرکوک، ناراحتی و دشمنی بابلی ها را فراهم کردند. بر اساس اطلاعات به دست آمده از منابع بابلی، سیطره ماد بر شمال شرق بین النهرین و شمال سوریه تا اواسط قرن ششم قبل از میلاد ادامه یافته است. همچنین، اشاره منبع بابلی به شورش کوروش به طور غیر مستقیم حکایت از تسلط قبلی ماد بر پارس دارد؛ مسئله ای که هرودوت نیز به آن اذعان دارد (Herodotus, 1890: I/ 102).

## ۵. منابع یونانی

هر چند منابع یونانی ای که درباره جغرافیای تاریخی ماد بحث کرده اند، اعتبار زیادی ندارند، به طور قطع خیلی هم دور از واقعیت نیستند. در این میان، تاریخ هرودوت از جایگاه ویژه ای برخوردار است. هرودوت (۴۸۵-۴۲۵ ق.م) از ساکنان یونانی غرب آسیای صغیر بود که در حاشیه به ماد پرداخته و فاصله زمانی او با دوره ماد (بیش از صد سال) مانع از ارائه اطلاعات دقیق شده است. بر اساس نوشته هرودوت، مادی ها نخست ایالت های کوچک غرب و جنوب غربی ایران از جمله ایالت پارس را به قلمروی خود الحاق کردند (Ibid) و سپس، نینوا و سراسر آشور به غیر از ناحیه بابل را تصرف کردند (Id, 106). آن ها بعد از شکست سکایی ها، در تعقیب آن ها بخش شرقی آسیای صغیر و قفقاز جنوبی (تمام آسیای علیا) تا رودخانه هالیس را فتح کردند (Id, 72-103). جنگ آن ها با لیدی به نتیجه مشخصی نرسید و رودخانه هالیس به عنوان مرز این دو دولت تعیین شد. بر اساس محتوای تاریخ هرودوت، کوروش برای حمله به لیدی از منطقه دیاله وارد بین النهرین شده و بدون

وارد شدن به قلمروی بابل به سمت لیدی حرکت کرده است (Id, 28). هرودوت ضمن اشاره به شهر پتیریا<sup>۱</sup> که مادی خوانده شده، می‌نویسد یونانیان، اهالی کاپادوکیه (مرکز آسیای صغیر) را جزء اهالی سوریه می‌شمارند. این سوریان پیش از چیرگی پارسیان در شمار اتباع مادها بودند (Id, 72). هرودوت همچنین اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ ساخت پایتخت ماد به دستور دیوکس (دیاکو) ارائه می‌دهد:

[...] او دیوارهای بزرگ و مستحکمی ساخت که به صورت دوایر متحدالمرکز یکی در داخل دیگری قرار داشت که اکنون "اکباتانا" نامیده می‌شود. این قلعه به گونه‌ای ساخته شده که هر کدام از باروهای داخلی تنها به اندازهٔ کنگره‌هایش از باروی بیرونی مرتفع‌تر است. این طرح تا حدودی نتیجهٔ ساخت بنا بر روی تپه‌ای است که در میانهٔ دشت قرار گرفته؛ اما بیشتر نتیجهٔ استادی‌ای است که در ساخت آن به کار رفته است. قلعه در کل دارای هفت بارو است که در داخلی‌ترین آن کاخ و خزاین قرار گرفته‌اند و طویل‌ترین باروی آن تقریباً به اندازهٔ طول دیواری است که شهر آتن را دربر گرفته است. [...] دیوکس این باروها را برای خود و اطرافیانش ساخت و دستور داد تا مردم بیرون دیوارها زندگی کنند [...]. (Panaino, 2003: 329).

این توصیف با مراکز حکمیتی هزارهٔ اول منطقه که بر بالای تپه‌ها ساخته می‌شدند و تعدادی از آن‌ها بر روی نقوش برجسته آشوری نقش شده‌اند، مطابقت دارد؛ هرچند در تعداد حصارها و رنگ‌آمیزی آن‌ها به نظر می‌رسد اغراق صورت گرفته است. علاوه بر هرودوت، گزنفون و کتزیاس نیز اشاراتی به ماد کرده‌اند. کتزیاس در حدود سال ۴۰۰ ق.م به آبادسازی مجدد نینوا تحت فرمانروایی ماد اشاره دارد (Read, 2003: 154). گزنفون که در حدود سال ۴۰۱ ق.م از بین‌النهرین شمالی گذر کرده است، به «دیوار مادی» اشاره می‌کند که نبوکدنصر برای مقابله با حملات مادها به طول ۴۰ کیلومتر از سیپار در ساحل فرات تا اوپیس در ساحل رود دجله کشیده بود (هینتس، ۱۳۸۸: ۱۱۶). او همچنین به اشغال شهرهای نینوا و نیمرود از سوی مادی‌ها اشاره کرده

1. Pteria

(Curtis, 2003: 157) و در کوروش‌نامه ارمنستان را خراج‌گذار ماد دانسته است (گزنفون، ۱۳۵۰: ۱۱۲). او شرق رودخانه دجله و شمال بغداد را مادی تلقی می‌کند (Tuplin, 2004: 234).

قدرت و گسترش قلمروی ماد به داخل آسیای صغیر و هم‌جواری آن‌ها با اقوام یونانی غرب آسیای صغیر از طریق دیگری نیز مشخص می‌شود. در منابع متعدد یونانی از جنگ‌های یونان و امپراتوری هخامنشی تحت عنوان «جنگ‌های مدی» یاد شده و شاهان هخامنشی «مادی» خوانده شده‌اند (توپلین، ۱۳۸۸: ۳۶۱). تهاجم کوروش به لیدی «حمله ماد» خوانده شده است. این وضعیت تا اواخر قرن چهارم قبل از میلاد همچنان ادامه پیدا می‌کند (همان، ۳۶۵). این شواهد نشان می‌دهد که مادی‌ها شرق آسیای صغیر را در تصرف داشته و جنگی مقتدرانه و طولانی مدت با لیدی داشته‌اند.<sup>۱</sup> یونانی‌ها بدین طریق در ارتباط نزدیک با مادی‌ها قرار گرفتند و با توجه به نقش بخشی از مادی‌ها در به قدرت رسیدن کوروش، دوره هخامنشی را تداوم طبیعی پادشاهی ماد دانسته‌اند.

در کتاب لوگوس ماد، دیودوروس اشاره‌ای به شورش یکی از نزدیکان پادشاه ماد و پناهنده شدن او به کادوسیان (اقوام ساکن در محدوده گیلان و طالش امروزی) می‌کند و نتیجه می‌گیرد که کادوسیان همیشه دشمنان مادی‌ها بوده و هرگز تسلط آن‌ها را نپذیرفته‌اند (بریان، ۱۳۸۵: ۱۱۵۸).

## ۶. منابع هخامنشی

متأسفانه منابع هخامنشی درباره پادشاهی ماد ساکت هستند. دلیل این موضع ظاهراً این است که بایگانی اصلی امپراتوری هخامنشی به خط و زبان آرامی و بر روی پوست و مواد فسادپذیر دیگر نوشته شده است که در جریان تهاجم اسکندر و با گذشت زمان از میان رفته‌اند. با این حال، از تجزیه و تحلیل اشارات غیرمستقیم موجود می‌توان به نتایجی دست یافت. از محتوای کتیبه‌ها و نقوش برجسته هخامنشی مشخص می‌شود که به غیر از مقطع

---

۱. هرودوت از احساس وحشتی خبر می‌دهد که نام مادها (با توجه به شناختی که یونانی‌ها از پیروزی‌های متعدد آن‌ها داشتند) در دل برمی‌انگیخت (بریان، ۱۳۸۵: ۲۴۶).

کوتاهی<sup>۱</sup> ایالت ماد و اقوام مادی، شاید به دلیل کثرت جمعیت، گستره سرزمینی و نقشی که بخشی از مادی‌ها در به قدرت رسیدن کوروش داشتند، بعد از پارسی‌ها جایگاه اول را در امپراتوری هخامنشی به خود اختصاص می‌دادند. در تعدادی از کتیبه‌های داریوش اول، او خود را شاه پارس و ماد و دیگر کشورها خوانده است و یا اینکه سپاهیان هخامنشی سپاه پارس و ماد نامیده شده‌اند (توپلین، ۱۳۸۸: ۳۵۳). داریوش در کتیبه بیستون ماد را در ردیف پارس شمرده و به نوعی آن را شریک امپراتوری قلمداد کرده است و در نسخه پارسی باستان کتیبه و در بحث به قدرت رسیدن گئوماته اشاره می‌کند که «هیچ مردی نبود؛ نه پارسی، نه مادی، نه شخصی از خاندان ما که بتواند شهریاری را از گئوماته مغ پس بگیرد» (لو کوک، ۱۳۸۶: ۲۲۲). با توجه به کتیبه‌های متعددی که به ایالت‌های امپراتوری هخامنشی اشاره دارند، می‌توان به گستره بسیار وسیع ماد دوره هخامنشی که به طور قطع بخش اصلی قلمروی پیشین پادشاهی ماد را شامل می‌شده است، پی برد. طبق فهرست‌های ارائه شده، ماد با ایالت‌های پارس، عیلام، آشور، بابل، پارت، کاپادوکیه و ارمنستان مرز مشترک داشته و از طرف شرق نیز کویرهای مرکزی آن را محدود می‌کرده است. موقعیت پارس، عیلام (جنوب غربی ایران) و بابل (جنوب بین‌النهرین) شناخته شده است. ایالت آشور به نظر می‌رسد شامل وطن اصلی آشوری‌ها بوده که به تصرف بابلی‌ها درآمده و با شکل‌گیری امپراتوری هخامنشی به ایالتی مجزا تبدیل شده است. این ایالت شامل بخش شمال شرقی امپراتوری آشور و از جمله شهر مهم اربیل نمی‌شده؛ چراکه در این تاریخ از مراکز مهم مادی‌ها به شمار می‌آمده است. ارمنستان (که تقریباً با ارمنستان امروزی مطابقت دارد) و کوپادوکیه (مناطق مرکزی ترکیه امروزی) نیز براساس شواهد، بخشی از متصرفات پادشاهی ماد بوده است که در دوره هخامنشی به ایالت‌های مجزا تبدیل شده بودند. ایالت‌های پارت و هیرکانی در شمال شرق ایران و ترکمنستان امروزی قابل جایابی است. براساس این بازسازی، ایالت ماد دوره هخامنشی در حد فاصل این ایالت‌ها قرار داشته و شامل بخش مهمی از فلات ایران بوده که از شمال شرق ایران تا جنوب شرق ترکیه، و شمال غرب ایران تا مرزهای پارس و عیلام در جنوب کشیده می‌شده و از غرب با بابل و

۱. دوره بعد از به قدرت رسیدن داریوش اول و شورش‌های مادی‌ها (ایمان پور، ۱۳۸۸: ۳۵).

آشور (در منطقه موصل و جانب غربی رودخانه دجله) مرز مشترک داشته است. این گستره وسیع به بخش‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شده است (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۸۳؛ ایمان‌پور و شهابادی، ۱۳۸۹: ۴۶).

حقیقت دیگری که با مطالعه ایالت ماد دوره هخامنشی و گستره آن مشخص می‌شود، این است که در حدود اوایل قرن هفتم قبل از میلاد در این گستره واحدهای سیاسی مستقل متعددی (از جمله پادشاهی‌های مانا، الیبی، و ایالت‌های پارسوا، گیزیل‌بوندا، آلابریا، کارلا و...) وجود داشتند (Levine, 1974: 99-124)؛ اما منابع هخامنشی تمام منطقه را ماد خوانده‌اند. به‌طور قطع مادی شدن منطقه نتیجه گسترش قدرت و قلمروی پادشاهی ماد است؛ بنابراین مناطق مزبور در دوره پادشاهی ماد بخشی از قلمروی اصلی این دولت محسوب می‌شده است.

اطلاعات جغرافیای تاریخی بیشتری از کتیبه بیستون استخراج می‌شود. در این کتیبه که به شرح شورش‌های ایالت‌های مختلف، بعد از به قدرت رسیدن داریوش اول می‌پردازد، موارد مهمی درباره گستره وسیع و دامنه‌دار قیام مادی‌ها، مراکز مهم مادی مثل هگمتانه، ارییل، رگا (ری)، حضور و استقرار اقوام ماد در شمال بین‌النهرین با مرکزیت ارییل، شورش ارمنستان به‌عنوان بخشی از شورش اقوام مادی، و شورش پارت و هیرکانی به طرفداری از مادی‌ها مطرح شده است. با توجه به محتوای کتیبه، شورش دامنه‌دار مادی‌ها بزرگ‌ترین چالش داریوش بوده است. در تداوم این شورش، شخصی به نام چیستنخمه خود را از خاندان هوخشتره و شاه اسگرتی خوانده است (لوکوک، ۱۳۸۶: ۲۵۸). داریوش بعد از سرکوب این شورش، چیستنخمه را دستگیر کرد و در ارییل که ظاهراً مقر اصلی او بود، به دار آویخت (همان، ۲۳۴-۲۳۵). این موضوع و نیز شواهد دیگر نشان می‌دهد که بخشی از اقوام ماد بعد از سقوط آشور در شمال شرق بین‌النهرین استقرار یافته بودند.

در کتیبه بیستون شورش ارمنستان بدون اشاره به رهبر آن مطرح شده است و شیوه و محل بیان این موضوع به‌گونه‌ای است که به‌نظر می‌رسد دنباله و بخشی از شورش فرورتیش مادی است. شرح شورش فرورتیش در قالب بندهای ۲۴ تا ۳۱ کتیبه آمده است. بندهای ۲۶ تا ۳۰ این بخش اختصاص به شورش ارمنستان دارد (همان، ۲۳۰-۲۳۳). بنابراین

همان گونه که پیش از این مطرح شد (Tuplin, 2004: 231)، این احتمال وجود دارد که ارمنستان وابستگی قوی و خاصی به ماد داشته است که می تواند ناشی از تسلط پیشین ماد بر این ایالت باشد.

داریوش درباره شورش پارت و هیرکانی نیز گفته است: «پارت و هیرکانی علیه من شورشی شدند. آن ها خود را (پیروان) فرورتنی اعلام کردند» (لو کوک، ۱۳۸۶: ۲۳۵). در نسخه بابلی کتیبه «آن ها به فرورتنی وفادار بودند» آمده است (همان جا). همراهی و وفاداری مورد اشاره (همانند شورش ارمنستان)، احتمال دارد نتیجه ارتباط نزدیک ماد با این دو ایالت و تسلط پیشین ماد بر این دو منطقه باشد. اشاره گزنفون به این موضوع که «هیرکانی ها خودخواسته رهبری وی (کوروش) را پذیرفتند» (ایمان پور، ۱۳۸۸: ۳۵)، شاید ناشی این واقعیت باشد که بعد از سقوط ماد ایالت های وابسته به ماد نیز سر تسلیم فرود آورده اند.

کتیبه بیستون اشاره ارزشمندی هم به هگمتانه، پایتخت پیشین ماد، دارد: «داریوش شاه گوید [...] فرورتنی دستگیر شد، به سوی من آورده شد [...] سپس در هگمتانه او را به صلابه کشیدم. و مردانی را که وفاداران اصلی او بودند، در دژ هگمتانه به دار آویختم» (همان، ۲۳۴). در نسخه بابلی کتیبه بیستون تأکید شده که سر شورشیان در بالای بارو و یا کنگره های دژ هگمتانه قطع شده است (همان جا). این اشاره تأیید کننده نوشته هرودوت درباره ارگ هگمتانه است.

## ۷. منابع عبری

در منابع عبری اشاره هایی به قدرت زیاد اقوام مادی، دشمنی آن ها با بابل و امیدواری به تهاجم آن ها به بابل وجود دارد (Tuplin, 2004: 234). این اشارات و نیز شواهد مختلف دیگر حضور بلندمدت ماد را در شمال بین النهرین تأیید می کند. همچنین، در کتاب ارمیای نبی و به تاریخ ۵۹۵ ق.م، به شاهان مادی و تمام حاکمان مادی و حاکمان تابع ماد و تمام سرزمین های تحت سیطره ماد اشاره شده است (Ibid). این اشاره به گونه ای است که به نظر می رسد اورارتو، مانا و اسکیت در این تاریخ در کنترل ماد بوده باشد (Id, 236). قلمروی

مانا قبل از این تاریخ شامل حوضه جنوبی و جنوب شرقی دریاچه ارومیه می شده (ملازاده، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۰) و اورارتو نیز بخش مهمی از شمال غرب، شرق ترکیه و ارمنستان امروزی را در اختیار داشته است.

## ۸. داده‌های باستان‌شناسی

متأسفانه محدودیت محوطه‌ها و داده‌های باستان‌شناسی به دست آمده از دوره ماد مانع بزرگی برای بازسازی جغرافیای تاریخی این دوره است و بیشتر محوطه‌های کاوش شده نیز مربوط به مناطق مرکزی قلمروی مادی‌ها قبل از تشکیل پادشاهی ماد در اواسط قرن هفتم قبل از میلاد است. مشکل بزرگ‌تر عدم کشف آثاری از هگمتانه مادی است. با این حال، در سال‌های اخیر در حاشیه قلمروی پادشاهی ماد، محوطه‌هایی کاوش شده‌اند که با توجه به قرابت‌های معماری احتمال می‌رود گسترش قلمروی ماد را در دوره پادشاهی نشان دهند. محوطه‌های کرکنس داغ، تل‌هویوک، تل‌قُبه و گوردخمه‌های قیزقاپان و کور و کیچ (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۳۱-۳۶۱) در حاشیه غربی، اُلغ‌تپه در حاشیه شمال شرقی و محوطه بسطام در مناطق شمالی از جمله این محوطه‌ها هستند.

محوطه کرکنس داغ در آناتولی مرکزی و منطقه کاپادوکیه باستان در شرق رودخانه قزل‌ایرماق قرار داشته است و بزرگ‌ترین استقرار عصر آهن آناتولی مرکزی به‌شمار می‌آید. هرودوت در موقعیت جغرافیایی مشابه به حضور شهر پتیریا در قلمروی ماد اشاره دارد (Herodotus, 1890: I/ 76). با توجه به این روایت و کشف تالارهای ستون‌دار، محوطه کرکنس داغ با پتیریا مادی مطابقت داده شده است (Summers, 1997: 2000)؛ اما مجموعه داده‌های باستان‌شناسی مکشوفه نشان می‌دهد که مادی‌ها شهر را نساخته‌اند، بلکه ساخت آن مربوط به اقوام فریگی است. با این حال، این احتمال وجود دارد که شهر در طول قرن هفتم یا اوایل قرن ششم قبل از میلاد ساخته شده و بعد از تسلط اقوام مادی، به‌عنوان پایگاه مهم منطقه‌ای در برابر مرزهای لیدی مورد استفاده قرار گرفته است. استفاده نظامی و کوتاه‌مدت مادی‌ها از یک شهر فریگی، فقدان آثار مشخص مادی را توجیه

می‌کند. همچنین، احتمال دارد تالارهای ستون‌دار محوطه طی حضور مادی‌ها و به تأثیر معماری ماد شکل گرفته باشند (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۱۴).

محوطه تل‌هویوک<sup>۱</sup> در جنوب شرقی آسیای صغیر و کناره غربی رودخانه فرات و شصت کیلومتری شرق شهر آدی‌یامان واقع شده است و بقایای معماری به‌دست آمده از آن با معماری محوطه‌های مادی قابل مقایسه است (Roaf, 2008: 10). با توجه به موقعیت این محوطه و نیز شواهد تاریخی مبنی بر حضور مادی‌ها در منطقه جنوب شرق ترکیه و شمال سوریه، احتمال دارد بقایای کشف شده مربوط به حضور مادی‌ها در منطقه باشد.

محوطه تل‌قُبه در منطقه حمزین، پنج کیلومتری محل برخورد دو رودخانه دیاله و نارین و دوازده کیلومتری شهر سعیدیه و در مسیر کانال ارتباطی مهم ایران به بین‌النهرین واقع شده است. در طبقه دوم استقرار این محوطه مجموعه‌ای به‌دست آمده است که از نظر پلان و جزئیات معماری شباهت زیادی به قلعه مادی نوشیجان و مجموعه‌ی آلیغ‌تپه دارد (Excavations in Iraq, 1979: 172). با توجه به زمان ساخت این مجموعه، شباهت‌های معماری و نیز قرار داشتن آن در کنار مرزهای احتمالی ماد و بابل، احتمال دارد این مجموعه پایگاه منطقه‌ای مادها در برابر مرزهای بابل بوده باشد (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۱۵-۳۱۷). اشخاص مادی نقش شده بر نمای گوردخمه قیزقاپان واقع در منطقه سلیمانیه عراق، مدرک دیگری بر حضور مادی‌ها در این منطقه است (همان، ۳۳۱-۳۶۱).

محوطه آلیغ‌تپه در خاک ترکمنستان، کناره رشته کوه کوپه‌داغ و در پانزده کیلومتری مرز ایران واقع شده است و رودخانه کلات از غرب آن عبور می‌کند. در این محوطه و از دوره پیش‌هخامنشی بقایای قلعه‌ای به‌دست آمده است که از نظر پلان و جزئیات معماری شباهت زیادی به قلعه مادی نوشیجان و مجموعه تل‌قُبه دارد (Boucharlat and others, 2005: 479-480). با توجه به کتیبه بیستون داریوش که در آن به شورش پارت در حمایت از مادی‌ها اشاره شده است، می‌توان احتمال داد که قلعه آلیغ‌تپه را نیز مادها بعد از گسترش شرقی قلمروی ماد، به‌عنوان پایگاه مرزی ساخته‌اند.



در لایه فوقانی محوطه بسطام که در قرن هفتم و هشتم قبل از میلاد از مراکز مهم پادشاهی اورارتو بود، داده‌های سفالی به دست آمده که با انواع مادی غرب ایران قرابت زیادی دارد (Kroll, 2013: 243-255)؛ بنابراین، به نظر می‌رسد مربوط به استقرار مادی باشد که بعد از تسلط ماد بر قلمروی اورارتو شکل گرفته است.

در منطقه شرق ترکیه و قفقاز جنوبی تاکنون آثار مشخص و مطالعه شده‌ای از حضور اقوام مادی به دست نیامده است (Id, 2003)؛ هرچند براساس سفالینه‌های به دست آمده، حضور مادی‌ها در محوطه‌های آلتین تپه و وان قلعه‌سی (شرق آسیای صغیر)، آرماویر و آراین‌برد (ارمنستان) پیشنهاد شده است (Roaf, 2008: 10).

#### ۹. گسترش و توزیع اقوام کرد ایرانی زبان و مطابقت آن با گستره غربی ماد

امروزه، بخش کوهستانی شمال عراق و شرق رودخانه دجله، بخش کوچکی از شمال سوریه و بخش اعظمی از شرق و جنوب شرقی ترکیه تا نزدیکی رودخانه قزل‌ایماق در اختیار اقوام کرد ایرانی زبان است (Sykes, 1908: 451-486). قبل از شکل‌گیری پادشاهی ماد، این مناطق بخشی از قلمروی اصلی آشور و اورارتو بود و اقوام سامی و هوری‌زبان در آن استقرار داشتند. حضور اقوام مادی در شمال سوریه و کردستان عراق که از سوی منابع بابلی و هخامنشی و یونانی تأیید شده است، این احتمال را تأیید می‌کند که این اقوام با گسترش قلمروی ماد و برای تثبیت حاکمیت ماد به این مناطق وارد شده‌اند و اقوام کرد ایرانی بازماندگان آن‌ها هستند؛ بنابراین، الگوی توزیع این اقوام می‌تواند گسترش غربی پادشاهی ماد را نشان دهد. این نظریه را نخستین بار مینورسکی مطرح کرده است (Minorsky, 1945: 87؛ جاف، ۱۳۵۵: ۵۱).

#### ۱۰. پایتخت و مراکز مهم پادشاهی ماد

به نظر می‌رسد بعد از تشکیل پادشاهی ماد در اواسط قرن هفتم قبل از میلاد شهر هگمتانه به دلیل موقعیت استراتژیک خود در مسیر جاده بزرگ خراسان، به پایتختی ماد انتخاب شده و با گسترش قدرت و قلمروی ماد، تبدیل به یکی از مراکز مهم سیاسی جهان باستان شده

است. نخستین اشاره تاریخی به نام «هگمتانه» مربوط به کتیبه نبوتید پادشاه بابل (حدود ۵۵۰ ق.م) و اشاره‌های بعدی مربوط به کتیبه بیستون (حدود ۵۲۰ ق.م) و تاریخ هرودوت (حدود ۴۳۰ ق.م) است. از نظر پولوبیوس (کتاب ۴، فصل ۴۴)، اکباتان (هگمتانه) شهرت و غنایش را مدیون موقعیت ارتباطی خود است (راه‌های مختلف شمالی- جنوبی و شرقی- غربی این شهر را به مناطق مهم دیگر ارتباط می‌دهد). جایگاه مهم هگمتانه بعد از سقوط ماد، در دوره هخامنشی نیز حفظ شد. هگمتانه در دوره جدید فقط اقامتگاه تابستانی شاهان هخامنشی نبود، بلکه مکان مبادله کالاهای تولیدشده در شرق و غرب امپراتوری هخامنشی نیز به‌شمار می‌آمد. کالاهایی چون لاجورد بدخشان از آسیای میانه به هگمتانه وارد می‌شد و از آنجا به مناطق مختلف صادر می‌گردید. الواح بابلی مربوط به دوره کوروش و کمبوجیه گواه فعالیت بازرگانان بابلی در هگمتانه است. اسناد مشابه دیگری از دوره داریوش دوم وجود دارد (بریان، ۱۳۸۵: ۱۱۶۸-۱۱۶۹).

از اولین اشاره منابع بابلی به بعد، هگمتانه به‌عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران زمین و شاید نخستین شهری که اقوام ایرانی بنیان نهادند، شهرت بسیاری یافت. بی‌شک بخشی از این شهرت به‌دلیل انتساب این شهر به مادها و نیز تعیین شدن به‌عنوان پایتخت تابستانی هخامنشی‌هاست. با توجه به این شهرت، حداقل از دوره قاجار کاوش‌هایی به امید یافتن اشیای ارزشمند در این شهر آغاز شد و از حدود صد سال پیش با کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی پیگیری شد. در نتیجه این کاوش‌ها هرچند آثار و بقایای پراکنده‌ای از دوره هخامنشی و نیز بقایای شهری از دوره اشکانی به‌دست آمد، متأسفانه تاکنون هیچ آثار مشخصی از هگمتانه مادی به‌دست نیامده است. با این حال، مدارک مختلف تاریخی و شواهد باستان‌شناسی موقعیت هگمتانه مادی را در محل شهر کنونی همدان تأیید می‌کند. براساس مدارک و شواهد موجود، هگمتانه مادی دارای دو بخش حاکم‌نشین (به‌صورت ارگ مستحکم و مستقر بر بلندی) و عامه‌نشین (در مجاورت ارگ حکومتی) بوده است (ملازاده و طاهری دهکردی، ۱۳۹۰: ۵-۱۶).

متأسفانه، نبود مدارک تاریخی و باستان‌شناسی مانع از پرداختن به مراکز مهم پادشاهی ماد است، با این حال، با توجه به کتیبه بیستون و شواهد تاریخی دیگر، شهر رگا (لوکوک،

۱۳۸۶: ۲۳۴) یا ری دوره اسلامی و شهر اربلا (همان، ۲۳۵) یا اربیل امروزی را می‌توان از مراکز مهم و منطقه‌ای مادی دانست.

## ۱۱. ساختار اقتصادی

به نظر نمی‌رسد با تشکیل پادشاهی ماد تحول گسترده‌ای در ساختار اقتصادی اقوام مادی صورت گرفته باشد و همان معیشت متکی به دامداری، پرورش اسب، کشاورزی و فعالیت بازرگانی (ملازاده و طاهری دهکردی، ۱۳۹۲: ۱۵۹) دوره قبل، در این دوره نیز تداوم یافته است. با این حال، قلمروی ماد در این دوره شامل مناطقی می‌شده است که در زمینه فلزکاری (اورارتو، مانا و الپیی)، تولیدات دامی و نساجی (بخشی از آشور)، و غیره سرآمد بودند. اشاره کتیبه شوش داریوش به مشارکت فلزکاران و هنرمندان ماد در ساخت کاخ داریوش (لوکوک، ۱۳۸۶: ۲۸۴) و نیز هدایای تولیدشده و برگزیده‌ای که مادی‌ها در نقوش برجسته تخت جمشید به همراه داشتند، گواه گسترش فعالیت‌های تولیدی دوره جدید است.

در دوره پادشاهی، قلمروی ماد بخش بزرگ‌تری از جاده بزرگ خراسان را پوشش داده و به تبع آن نقش پررنگ‌تری در بازرگانی کسب کرده است؛ هرچند احتمال دارد سقوط آشور و اورارتو موجب رکود در فعالیت‌های بازرگانی شده باشد. اشاره منابع بابلی دوره هخامنشی به فعالیت بازرگانی بابلی‌ها در هگمتانه (بریان، ۱۳۸۵: ۱۱۶۹؛ توپلین، ۱۳۸۸: ۳۸۰) و مادی‌ها در بابل (Jursa, 2003: 170)، گواه فعالیت‌های مشابه دوره پادشاهی ماد است. همچنین، در دوره پادشاهی ماد، غنایم غارت‌شده بسیار از شهرهای ثروتمند آشور و اورارتو و گنجینه‌های دولت‌های کوچک تر مانا و الپیی، به‌طور قطع زمینه تحرک بیشتر فعالیت‌های اقتصادی و نیز اجرای پروژه‌های عمرانی را فراهم کرده است که داده‌های موجود امکان مطالعه آن را فراهم نمی‌کند.

## ۱۲. نتیجه

با توجه به بازسازی تاریخ سیاسی ماد (ملازاده، ۱۳۹۳: ۲۸-۵۷) و داده‌های بررسی شده در این مقاله، می‌توان نتیجه گرفت که برخلاف تردیدهای ایجاد شده در ساختار سیاسی ماد، مادی‌ها موفق به تشکیل دولتی قدرتمند و قلمرویی گسترده شده بودند. مرزهای قلمروی ماد تاکنون به صورت علمی و دقیق و با استفاده هم‌زمان از داده‌های باستان‌شناسی و تاریخی مطالعه نشده است و تمام نقشه‌های ارائه شده در این زمینه بیش از حد فرضی است. پژوهش حاضر این امکان را فراهم می‌کند تا بازسازی علمی تر و مشخص تری از این قلمرو ارائه دهیم. براساس مجموعه منابع بابلی، عبری و هخامنشی، مادی‌ها بعد از سقوط آشور، شمال شرق بین‌النهرین، از منطقه دیاله در جنوب تا منطقه اربیل و دهوک، را به قلمروی خود الحاق کردند و این قلمرو در شمال تا شمال سوریه و منطقه حران گسترش یافت. داده‌های باستان‌شناسی (تل‌قُبه و گوردخمه‌ها) و توزیع و پراکندگی اقوام کرد در منطقه و همچنین اشاره به دیواری که بابلی‌ها در منطقه شمالی بغداد برای جلوگیری از حمله مادی‌ها ساخته بودند، این نتیجه‌گیری را تأیید می‌کند. همان‌گونه که منابع بابلی اشاره دارند و جغرافیای سیاسی امروزی منطقه نیز نشان می‌دهد، منطقه کرکوک امروزی به‌عنوان ناحیه مرزی، مورد مناقشه ماد و بابل بوده و بین آن‌ها دست‌به‌دست می‌گشته است.

منابع یونانی، هخامنشی (البته به صورت غیرمستقیم) و داده‌های اندک باستان‌شناسی، حضور مادی‌ها را در شرق و مناطق مرکزی آسیای صغیر نشان می‌دهد. بیان و اطمینان موجود در منابع یونانی و قرابت جغرافیایی نویسنده‌گانی چون هرودوت با این منطقه، و شناخت نسبتاً نزدیک‌تری که یونانی‌های غرب آسیای صغیر از مادی‌ها داشتند، تردیدهای موجود را کم‌رنگ می‌کند. وابستگی ارمنستان به ماد در شورش‌های دوره داریوش اول، دامنه قلمروی ماد و نفوذ سیاسی و فرهنگی آن را تا ارمنستان گسترش می‌دهد. آثار و شواهد محدود باستان‌شناسی در محوطه‌های تل‌هویوک (جنوب شرق آسیای صغیر)، کرکس داغ (فلات مرکزی آسیای صغیر)، آلتین‌تپه و وان‌قلعه‌سی (شرق آسیای صغیر)، آرمایر و آراین‌برد (ارمنستان) و بسطام (از محوطه‌های حاکمیتی اورارتو در شمال غرب ایران) (Raof, 2008: 11)، نتیجه‌گیری مزبور را تقویت می‌کنند. به نظر می‌رسد مادی‌ها بعد

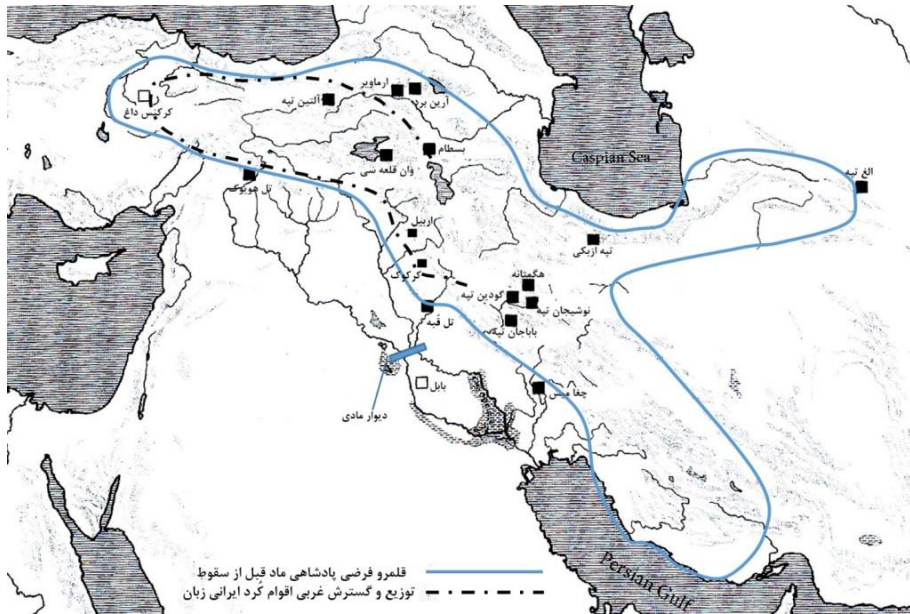
از ساقط کردن آشور و تصرف بخش‌هایی از قلمروی این امپراتوری، متوجه قلمروی پادشاهی اورارتو شدند که قبل از این سکایی‌ها یا سیمیری‌ها ساختار آن را از هم پاشیده بودند. حملات سال‌های ۶۰۹، ۶۰۸ و ۶۰۷ ق.م. بابلی‌ها به قلمروی اورارتو (Rollinger, 2008) ظاهراً در رقابت با مادی‌ها بوده است. حضور قطعی مادی‌ها در منطقه حران (شمال سوریه) و نزدیکی آن به مناطق مرزی لیدی، روایت هرودوت را درباره تعیین رودخانه هالیس به‌عنوان مرز ماد و لیدی تأیید می‌کند. در قسمت شمال غربی، رشته کوه قفقاز به‌طور قطع مرزی طبیعی را شکل می‌داده است.

با توجه به روایت هرودوت مبنی بر تسلط ماد بر پارس و نیز اشاره کتیبه بابلی مبنی بر شورش کوروش علیه پادشاه ماد و نیز شواهد تاریخی مبنی بر دست داشتن بخشی از مادی‌ها در به قدرت رسیدن کوروش، می‌توان گستره جنوب غربی ماد را به سرزمین پارس گسترش داد؛ هرچند مدارک و شواهد قابل اعتمادی بر این نظر وجود ندارد (Imanpour, 2002-2003: 61-79؛ ایمان‌پور و قصاب‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۳-۸۷). در صورت صحت این بازسازی و با توجه به اینکه پارس تا کناره خلیج فارس کشیده می‌شد، قلمروی سیاسی ماد را در این بخش می‌توان تا خلیج فارس گسترش داد.

کویر و بیابان‌های مرکزی ایران یک مرز مشخص طبیعی و در عین حال فرهنگی است و هیچ شاهدهی وجود ندارد که گسترش مرزهای شرقی ماد را به آن سوی مناطق کویری و جنوب شرق ایران نشان دهد. در جهت شمال شرق، مرزهای پادشاهی ماد به‌نظر می‌رسد تا مناطق غربی ترکمنستان امروزی و گرگان کشیده می‌شده است. شورش پارت و هیرکانی به طرفداری از قیام مادی‌ها و نیز کشف محوطه‌الغ‌تپه در داخل مرزهای ترکمنستان با معماری مشابه به معماری ماد و این حقیقت که در منابع تاریخی هیچ اشاره‌ای به فتح این مناطق به‌دست کوروش نشده، گواهی بر این مدعاست. در طول تاریخ، شمال رشته کوه البرز، مرزی طبیعی و فرهنگی بوده است و به‌نظر می‌رسد در این دوره نیز مرزهای شمالی ماد را مشخص می‌کرده است. اشاره گزنفون به عدم تسلط مادی‌ها بر کادوسیان تأیید این جایابی است.

حاکمیت و نفوذ سیاسی و فرهنگی ماد در گستره مزبور به طور قطع به صورت یکنواخت اعمال نمی‌شد و همانند دوره هخامنشی بخش‌هایی از این قلمرو در اختیار حاکمان و دولت‌های محلی قرار داشتند؛ واقعیتی که به نوعی در کتاب ارمیای نبی به آن اشاره شده است (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۲۹۳). مطمئناً مادی‌ها و فرهنگ مادی در این مناطق حضور کم‌رنگ‌تری داشتند. در گستره قلمروی تعیین‌شده، مراکز مهم حاکمیتی، نقاط مستحکم مرزی و مراکز مختلف دیگری وجود داشتند. هگمتانه در محل شهر کنونی همدان، اربلا در محل شهر کنونی اربیل و رگا در محل شهر ری از جمله مراکز مهم حاکمیتی ماد بودند و محوطه‌های شناسایی‌شده تل‌قُبه، اَلغ‌تپه، تل‌هویوک، کرکنس‌داغ و موارد دیگر، نقاط مستحکم مرزی را شکل می‌داده‌اند.

هرچند مدارک برای بازسازی ساختار اقتصادی پادشاهی ماد کافی نیستند، با این حال، دامداری، کشاورزی، پرورش اسب، بازرگانی و تولیدات فلزی و نساجی معیشت اصلی مادی‌ها را در این دوره شکل می‌داد و از طرف دیگر، ثروت عظیم غارت‌شده از شهرهای آشوری و اورارتویی و نیز دولت‌های کوچک‌تر منطقه، به احتمال زیاد زمینه پیشرفت اقتصادی را فراهم کرده بود؛ هرچند حیات کوتاه‌مدت این پادشاهی امکان اجرای پروژه‌های بزرگ و یادمانی را فراهم نکرد.



**شکل ۱.** نقشه فلات ایران و مناطق مجاور که در آن گستره پادشاهی ماد و نیز توزیع و گسترش اقوام کرد ایرانی زبان و مطابقت آن با گستره غربی پادشاهی ماد دیده می‌شود. در این نقشه همچنین، توزیع و پراکندگی محوطه‌های منسوب به ماد دیده می‌شود که با قلمروی بازسازی شده هم‌خوانی دارد (نقشه پایه از: Raof, 2008 و ترسیم مجدد از ملازاده).

## منابع

- ایمان پور، محمدتقی (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه سیاسی ساتراپ‌های هخامنشی در دوره داریوش بزرگ با تکیه بر کتیبه‌ها». **تاریخ ایران**. ش ۶۱/۵. صص ۲۳-۵۴.
- \_\_\_\_\_ و علی اکبر شهبادی (۱۳۸۹). «بررسی تحلیلی محدوده جغرافیایی و اداری ساتراپی‌های هخامنشی در کتیبه بیستون». **مطالعات تاریخ فرهنگی: پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ**. س ۲. ش ۵. صص ۳۷-۶۳.
- \_\_\_\_\_ و راضیه قصاب‌زاده (۱۳۹۰). «بررسی رابطه مادها و پارس‌ها پیش از ظهور امپراتوری هخامنشی». **پژوهش‌های تاریخی**. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. س ۳. ش ۱۲. صص ۷۳-۸۶.

- بریان، پی‌یر (۱۳۸۵). **امپراتوری هخامنشی**. ترجمه ناهید فروغان. ج ۱. تهران: قطره-فروزان.
- توپلین، کریستوفر (۱۳۸۸). **تاریخ هخامنشیان: پارسیان چونان مادها**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. ج ۸. تهران: توس.
- جاف، حسن (۱۳۵۵). «بازماندگان ماد». **بررسی‌های تاریخی**. س ۱۱. ش ۲. صص ۳۷-۵۶.
- دیاکونف، ام (۱۳۷۱). **تاریخ ماد**. ترجمه کریم کشاورز. ج ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عبدی، کامیار (۱۳۷۲). «وارسی دوره ماد (قسمت اول)». **باستان‌شناسی و تاریخ**. مرکز نشر دانشگاهی. س ۸. ش ۱۵. صص ۱۵-۲۸.
- فیشر، ویلیام بین (ویراستار) (۱۳۸۶). «مادها و اسکیت‌ها و فرمانروایان مشرق». **تاریخ ایران کمبریج**. ترجمه تیمور قادری. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
- کورت، آملی (۱۳۸۶). **هخامنشیان**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. ج ۵. تهران: ققنوس.
- کیناست، بورکهاست (۱۳۸۳). «آنچه امپراتوری ماد خوانده می‌شود». ترجمه کریم عزیزاده. **گزارش‌های باستان‌شناسی (۲)**. صص ۲۰۵-۲۱۴.
- گزنفون (۱۳۵۰). **سیرت کوروش کبیر**. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: چاپخانه بانک بازرگانی ایران.
- لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۶). **کتابخانه‌های هخامنشی**. ترجمه نازیلا خلخالی. زیر نظر ژاله آموزگار. ج ۲. تهران: فرزاد.
- ملازاده، کاظم (۱۳۸۸). «پادشاهی مانا؛ نگاهی به ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی مانا بر پایه آگاهی‌های باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی». **باستان‌پژوهی**. س ۴. ش ۷. صص ۴۵-۵۳.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳). **باستان‌شناسی ماد**. تهران: سمت.



\_\_\_\_\_ و معصومه طاهری دهکردی (۱۳۹۰). «تاریخچه، جایابی و ساختار هگمتانه مادى». **مطالعات شهر ایرانی - اسلامی**. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. س ۲. ش ۶. صص ۵-۱۶.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). «مطالعه جغرافیای تاریخی ماد پیش از تشکیل پادشاهی و گسترش آن (۶۷۲-۸۳۵ ق.م)». **تاریخ اسلام و ایران - تاریخ نگری و تاریخ نگاری**. دانشگاه الزهرا. صص ۱۴۳-۱۶۵.

هرودوت (۱۳۶۲). **تاریخ هرودوت**. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

هیتس، والتر (۱۳۸۸). **داریوش و پارس ها**. ترجمه عبدالرحمن صدریه. تهران: امیرکبیر.

- Boucharlat, R. and others (2005). "The Citadel of Ulug Depe and the Iron Age Archaeological Sequence in Southern Central Asia". *Iranica Antiqua* 40. pp. 479-514.
- Cogan, M. (2008). "The Raging Torrent; Historical Inscription from Assyria and Babylonia Relating to Ancient Israel". Carta Jerusalem.
- Curtis, John (2003). The Assyrian Heartland in the Period 612-539 BC. *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. (Lanfranchi, G.B and others) eds. Padova. pp. 157-167.
- Diakonoff, I.M and M.S. Kashkai (1981). "Geographical Names According to the Urartian Text". Wiesbaden.
- "Excavations in Iraq" (1979). *Iraq*. vol. 41, no. 2. p.172.
- Jursa, Michael (2003). "Observations on the Problem of the Median "Empire" on the Basis of Babylonian Sources". In *Continuity of Empire): Assyria, Media, Persia*. (Lanfranchi, G.B and others) eds. Padova. pp. 169-178.
- Henkelman, W. (2003). "Persians, Medes and Elamites: acculturation in the Neo-Elamite period". In *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. (Lanfranchi, G.B and others) eds. Padova. pp. 181-233.

- Herodotus (1890). *The History of Herodotus*. By: G .C. Macaulay. M. A. In Two Volumes. London and New York.
- Imanpour, Mohammad-Taghi (2002-2003). "The Medes and Persians: were the Persians ever Ruled by the Medes?". *Name-ye Iran-e Bastan*. Vol. 2. No. 2. pp. 61-79.
- Kroll, Stephan (2003). "Medes and Persians in Transcaucasia: Archaeological horizos in north- WESTREN Iran and Transcaucasia, *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. (Lanfranchi, G.B and others) eds". Padova. pp. 326-381.
- \_\_\_\_\_ (2013). Notes on the Post- Urartian Horizon at Bastam. In *tarhan Armağani M. Taner Tarhan'a Sunulan Makaleler Essays in Honour of M. Taner Tarhan*, eds by Oğuz Tekin-Mustafa H. Sayar- Erkan Konyar. pp. 247-255.
- Lanfranchi, G., M. Roaf and R. Rollinger (eds.) (2003). In *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. Padua.
- Levine, L.D. (1973). "Geographical studies in the Neo- Assyrian Zagros – I". *Iran* 11. pp. 1-27.
- \_\_\_\_\_ (1974). "Geographical studies in the Neo- Assyrian Zagros – II". *Iran* 12. pp. 99-124.
- Liverani, M. (2003). "The Rise and fall of Media". In Lanfranchi, Roaf, and Rollinger (eds.) In *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. Padua. pp. 1-12.
- \_\_\_\_\_ (2003). Medes and Persians in Transcaucasia: Archaeological Horizons in Northwestern Iran and Transcaucasia. In *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. (Lanfranchi, G.B and others) eds. Padova. pp. 1-12.
- Minorsky, V. (1945). "The Tribes of Western Iran". *The Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland*. Vol. 75. No. ½. pp. 73-80.
- Panaino, Antonio (2003). "Herodotus I, 96-101: Deioces conquest of power and the foundation of sacred royalty". In *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*, Lanfranchi, G.B and others (eds). Padova. pp. 327-338.
- Parpola, S. and M. Porter (eds) (2001). *The Helsinki Atlas of the Near East in the Neo-Assyrian Period*. Helsinki.

- Rawlinson, M.A G. (1871-1873). *The Seven Great Monarchies of the Ancient Eastern World*. Vol. II .University of Oxford.
- Read, J. (2003). "The Median Dark Age". In *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. Lanfranchi, Roaf, and Rollinger (eds.). Padova. pp. 13-22.
- Roaf, M. (2003). "The Median Dark Age". In *Continuity of Empire (?): Assyria, Media, Persia*. Lanfranchi, Roaf, and Rollinger (eds.). pp. 13-22.
- \_\_\_\_\_ (2008). "Medes beyond the borders of modern Iran". *Bastanpazhuhi* (Persian journal of Iranian studies). vol. 3. No. 6. pp. 9-11.
- Rollinger, Robert (2004). The Median Empire. The End of Urartu and Cyrus the Great Campaign in 547 B.C (Nabonidus Chronicle II 16). Proceeding of the 1 *International Conference on Ancient Cultural Relation Between Iran and West Asia Tehran 2004*. In press. pp. 1-13.
- \_\_\_\_\_ (2008). "The Median 'Empire', the end of Urartu and Cyrus the great's campaign in 547 B.C". *AWE* 7. pp. 51-65.
- Sancisi- Weerdenburg, H. (1988). "Was There ever a Median Empire?". *Achaemenid History III: Method and Theory*. Proceeding of the London 1985 Achaemenid History Workshop, ed: A. Kuhrt, and H. Sancisi- Weerdenburg, Leiden: Nederland Instituut voor het Nabije Oosten. pp. 197-212.
- \_\_\_\_\_ (1994). "The Orality of Herodotus Médikos Logos, or: The Median Empire revisited". *Achaemenid History III: Continuity and Change*, Proceedings of the Last Achaemenid History Workshop, April 6-8, 1990-Ann ArborMichigan, ed. By: H. Sancisi-Weerdenburg et al. Leiden Nederland voor Nabije Oosten. pp. 39-55.
- Summers, G.D. (1997). "The identification of Iron on Kerkenes Dag in central Anatolia". *Journal of Near Eastern Studies*. Vol. 59. pp. 81-94.
- \_\_\_\_\_ (2000) .The Median Empire Reconsiderd: Aviwe from Kerkenes Dag', *Anatolia Studies*. Vol. 50. Pp. 55-73.
- Sykes, Mark (1908). "The Kurdish Tribes of the Ottoman Empire". The Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland. Vol .38. pp. 451-486.

- Tuplin, C. (2004), "Medes in Media, Mesopotamia, and Anatolia:  
"Empire, Hegemony, Domination or Illusion?". *West & East*.  
Vol. 3. No. 2. pp. 223-251.
- Tuplin, C. (2004). "Medes in Media, Mesopotamia, and  
Anatolia: Empire, Hegemony, Domination or Illusion?". *West &  
East*. Vol. 3. No. 2. pp. 223-251.
- Zawadzki, S. (1988). *The fall of Assyria and Median,  
Babylonian Relations in Light of the Nobopolassar Chronicle*.  
Puznan.